



سرگه بارسقیان  
روزنامه‌نگار

# پوپولیسم ایرانی

«ما همین الان در ایران فردی داریم که میاد سطح زمین را نگاه می‌کنه، علف‌ها را نگاه می‌کنه، تمام معادن اعماق زمین را به شما معرفی می‌کنه. تضمینی، همین الان، یک دانشه دیگه! نه گمانه می‌خواد بزنه... بلکه بعداً شما می‌روید گمانه می‌زنید حد و حدودش را به دست می‌آید. اما او به شما می‌گوید اینجا آهنه، اینجا منگنز، اینجا پلاست، اینجا سر به، اینجا رویه، همه را معرفی می‌کنه. تضمینی‌ها!...»<sup>(۱)</sup>

گوینده این سخنان ۶ سال است که دیگر رئیس جمهوری نیست؛ او که تجسم پوپولیسم ایرانی در کسوت دیوانی بود، گرچه مدافعاتش هرگز و همانند دیگر همگنان سیاسی‌اش در اطراف و اکناف جهان، از چنین برچسبی دوری می‌گزیند. محمود احمدی‌نژاد خود را نخبه می‌دانست: «بالاخره اگر ما بگیم نخبگان، احمدی‌نژاد هم یکی از این نخبگان به حساب می‌یاد، من دانشگاهی هستم دیگه، ریاضیات هم خوندم، بالاخره مهندسی خوندم. می‌فهمیدم هم چی کار می‌کنم...» خسرو معتضد، تاریخ‌پژوه هوادار احمدی‌نژاد یک ماه مانده به تحویل دولت به حسن روحانی در یادداشتی نوشت «صفت پوپولیسیت بودن به تنهایی حق مطلب را در خصوص او بیان نمی‌کند.» و استدلال کرد رئیس دولت‌های نهم و دهم را تالیست (واقع‌گرا)، پراگماتیسیت (عمل‌گرا)، اندوستریالیست (صنعتی‌گرا) و... بود. او با مراجعه به چند فرهنگ سیاسی به این نتیجه رسید که پوپولیسیم هیچ مفهوم بدی ندارد. جالب‌ترین نوع دفاع او این بود که احمدی‌نژاد از آپتیسم خوش می‌آمد، خوشبینی و نیک‌بینی و حسن ظن: «هرگز باید بینی و لمپنیسم سخن نگفت همواره به مردم امید می‌داد. شما فکر نکنید وقتی گفت میل دارد هر ایرانی یک باغ کوچک داشته باشد یا هزار متر زمین، بلوف می‌زد و قصد مردم‌فریبی و خوشامدگویی داشت، او مطمئن بود می‌تواند مردمی را که قرن‌هاست در خانه و باغچه زندگی می‌کرده‌اند، از قفس تنگ آپارتمان‌نشینی نجات دهد اما نتوانست.» اما آیا دولت‌داری در «باغ» سبز نشان دادن است و خوش‌باوری؟ وعده بهشت شداد و جای صحبت اضداد؟ که در نهایت بگویند «احمدی‌نژاد چه زمانی گفته مردم‌مدار نیست؟ چه زمانی گفته به مردم اهمیت نمی‌دهد؟ راستی پوپولیسیت بودن که ایرادی ندارد و اشکالی نخواهد داشت.»<sup>(۲)</sup>

## پوپولیسیم احمدی‌نژادی؟

اما به راستی احمدی‌نژاد چگونه پوپولیسیتی بود؟ یک هفته پس از آنکه کلید پاستور را از خاتمی تحویل گرفت، علیرضا ربانی، فعال ملی مذهبی در نشست جبهه مشارکت از شکل‌گیری «پوپولیسیم کلاسیک» گفت: قبل از آن سعید حجاریان در مقاله «خطر پوپولیسیم» هشدار داده بود ممکن است کسی بیاید و ادعاهای پوپولیسیتی مطرح کند و رأی آورد. همو که امروز هم درباره بازگشت «پوپولیسیم موعودگرا» هشدار می‌دهد «پس از دولت روحانی نیز همچنان با گرازه «دوره احمدی‌نژاد» مواجه هستیم. چه سکان دولت در دست اصلاح‌طلبان باشد، چه در دست اصولگرایان، متأسفانه باید گفت ریشه‌های پوپولیسیم موعودگرا با آن همه عوارض پیدا و پنهان هنوز خشک نشده است و افرادی از قشرهای مختلف دری آبیاری آن هستند.» حجاریان خط‌رادر این می‌بیند که مردمی که زیر خط فقر قرار دارند، به هر پیشنهادی آری بگویند: «افزایش متقاضیان دریافت یارانه نقدی در دولت بازدهد حاکی از آن است که مردم به چشم‌انداز نهاد دولت در ایران امیدی ندارند و تنها در امروز شان سیر می‌کنند. در این وضعیت با وجود آنکه جامعه تا حد زیادی به لحاظ معرفتی آگاه شده، ولی ممکن است اسیر مسأله اقتصاد شود و به پوپولیسیم که در پوشش حامی و منجی عرضه می‌شود، آری بگویند.»<sup>(۳)</sup>

تعبیر دیگرش از آن محمدعلی نجفی بود که در اردیبهشت ۹۶ به عنوان رئیس ستاد فرهنگیان روحانی درباره «پوپولیسیم منفی عوام‌فریبانه» اعلام خطر کرد: «احمدی‌نژاد در فروردین سال ۹۰ اعلام کرد که تا پایان سال مشکل مسکن به طور کلی در کشور ریشه‌کن خواهد شد و معضلی به نام مسکن نخواهیم داشت. آنها مدعی شده بودند که چرا مردم باید ر آپارتمان زندگی کنند بلکه به ایرانی زمین می‌دهیم که ویلاسازی کنند. اینها همان پوپولیسیم منفی عوام‌فریبانه است. قطعاً اقدامات چهار ساله اخیر قالیباف در شهرداری تهران به هیچ عنوان قابل قبول نیست و همان تصویری هم که در خصوص مسائل مالی‌شان در شهرداری وجود داشت اتفاق افتاد. من اینها را می‌گویم زیرا باید پوپولیسیم فریبکارانه را افشا کنیم تا مردم دچار انحراف نشوند.»<sup>(۴)</sup>

## آنچه روحانی نیست

به راستی فرق میان خوش‌باوری و خودباوری کجاست؟ کسی که از تولید انرژی هسته‌ای توسط یک دختر دانش آموز می‌گوید و آن را خودباوری می‌نامد: «یک دبیر به من گفت که

## چرا دولت روحانی پوپولیسیت نیست؟

یکی از شاگردانش در خانه انرژی هسته‌ای کشف کرده. من زنگ زدم به رئیس سازمان انرژی هسته‌ای که بررسی کنید. دانشمندان هسته‌ای ما تحقیق کردند و دیدند این دختر راست می‌گوید و در خانه‌اش انرژی هسته‌ای تولید کرده. الان خبر این دختر یک دانشمند هسته‌ای شده است. این خودباوری است.»

مگر نه اینکه پوپولیسیم طغیان علیه خردگرایی و نخبه‌گرایی است و تصمیم‌گیری نه طبق نظر خردمندان و کارشناسان و متخصصان که با توجه به مزاج عمومی.<sup>(۵)</sup>

احمدی‌نژاد را چه نماد پوپولیسیم کلاسیک بدانیم (که در جهان امروز همتایانی دارد) و چه موعودگرا؛ امروز خطر عمده بازگشت دوباره این «جریان» ونه «فرد» در پوسته‌های سیاسی و پوسته‌های انتخاباتی است و همین خطر وخیز دوباره، بهترین مدعی این است که دولت روحانی پوپولیسیت نیست و چون نیست، با انگ «اشرافی‌گری» نواخته و بازنگ «نخبه‌پروری» شناخته می‌شود. آنچه حسن روحانی در جمع دانش‌آموزان المپیادی گفت مانیفست فکری رئیس جمهوری است که می‌خواهد موضوع نخبگی «فرآیند محور دیده و مدیریت شود.» به گفته او «تلاش دولت بهره‌گیری درست و مناسب از نخبگان در بخش‌های مختلف است. جذب نخبگان هزینه اداره کشور را کاهش می‌دهد.»<sup>(۶)</sup> این رویکرد در تقابل با گرایش مستمر پوپولیسیم در ضدیت با نخبگی است که ارزش‌هایی که این نخبگان قرار است حاملان آن باشند را به منزله ارزش‌هایی ضد مردمی افشامی کند.<sup>(۷)</sup>

سؤال پوپولیسیت‌های امروزی به تعبیر فرانسویس فوکویاما این است «آیا طبقه نخبگان ما را نادیده نگرفته و تلاش‌هایمان را کم‌رنگ نشان نداده است؟» همان گونه که جان رنر مولر در کتاب «پوپولیسیم چیست» اشاره دارد: «پوپولیسیت همواره مردم‌عادی و بی‌گناه را در برابر نخبگان فاسد که کار نمی‌کنند (مگر برای نفع شخصی) قرار می‌دهند. پوپولیسیت‌ها صرفاً منتقد نخبگان نیستند؛ ادعای آنها این است که آنها فقط آنها مردم واقعی را نمایندگی می‌کنند. آنها تصویری کنند که مخالف نخبگان فاسد در برابر مردمی متجاسس و کاملاً اخلاقی هستند که نمی‌توانند به راه‌خطا روند. می‌توان تمام ناکامی‌های پوپولیسیت‌های در قدرت قرار گرفته را به گردن نخبگانی که در پشت صحنه چه در داخل و چه در خارج از کشور فعالیت می‌کنند انداخت. هر کس از نخبگان انتقاد کند لزوماً پوپولیسیت نیست، علاوه بر مخالفت با نخبگان، پوپولیسیت‌ها ضد گتر گرای نیز هستند. آنها ادعای کنند که آنها فقط آنها نمایندگان مردم هستند. رقاب سیاسی دیگر غیر مشروع اند و هر کس از آنها حمایت نکند شایسته تعلق داشتن به مردم نیست. پوپولیسیت‌ها وقتی در موضع مخالف قرار دارند اصرار دارند که نخبگان غیر مردم و مردم‌موجه هستند، مردمی که به عنوان مجموعه‌ای منسجم نمی‌توانند خطا را باشند.»<sup>(۸)</sup>

در حقیقت پوپولیسیم با چگونگی و تنوع سرناسازگاری دارد. از نوعی یکپارچگی و یکدستی و یگانگی عمومی دفاع می‌کند و به انکار تمایزها و تفاوت‌ها تمایل دارد و با تنوع نهفته در جامعه مدنی مخالف است.

علیرضا علوی تبار در تبار شناسی پوپولیسیم ایرانی به دو جریان «مردم‌انگیزی (پوپولیسیم)» چپ‌سنتی و «مردم‌انگیزی راست افراطی» اشاره می‌کند که اولی گرچه در دهه ۶۰ پر قدرت و بانفوذ بود اما هرگز نتوانست قدرت را به طور کامل در اختیار بگیرد و ناگزیر همیشه در کنار «راست‌سنتی و محافظه‌کار» و «فن‌سالاران و عملگرایان» به اداره امور می‌پرداخت. به علاوه مجموعه‌هایی از روشنفکران فعال نیز وجود داشتند که اینجوان‌انجادر مقابل روش‌ها و شیوه‌های می‌ایستادند و مقبولیت را از آنها می‌گرفتند. چپ‌سنتی مردم‌انگیز هیچ‌گاه نخواست یا نتوانست به طور کامل به حذف روشنفکران یا فن‌سالاران اقدام کند و از این رو هیچ‌گاه مردم‌انگیزی خالص را به نمایش نگذاشت. ضعف نهاد‌های مدنی (احزاب سیاسی، انجمن‌های صنفی و...) و شرایط جنگ‌سال‌های دهه ۶۰ موجب تناسب نسبی مردم‌انگیزی چپ‌سنتی با جامعه در کل می‌شد اما مردم‌انگیزی راست را دیکتاتور که با انتخابات دوم شورا‌های شهر در ابتدای دهه ۸۰ بتدریج قدرت سیاسی را به طور کامل در اختیار گرفت در بستر متفاوتی رشد کرد. جامعه بشدت به چندگانگی و تنوع رسید و از یکدستی و وسادگی سال‌های دهه ۶۰ در آن خبری نبود.<sup>(۹)</sup>

تفاوت ادبیات دور رئیس جمهوری- احمدی‌نژاد و روحانی- رادر همین به رسمیت شناختن تنوع اجتماعی می‌توان دید. اینکه احمدی‌نژاد برخلاف روحانی از ادبیاتی عامه‌گرا استفاده می‌کرد و عباراتی کوچه‌بازاری به کار می‌برد صرفاً ملاک پوپولیسیت بودن وی نبود، بلکه با همین ادبیات و بشدت به تکرار اجتماعی می‌تاخت: «قیافه روشنفکری می‌گیرند، به اندازه بزغال‌ها هم از دنیا فهم و شعور ندارند.» این لحن عمق نفرت احمدی‌نژاد از روشنفکران